



خوانشی دیگر از بیت حافظ:

«این همه شعبده خویش که می کرد اینجا/سامری پیش عصا و ید بیضا می کرد»

یدالله پشابادی^۱

استادیار زبان و ادبیات کردی دانشگاه کردستان و عضو هیأت علمی پژوهشکده کردستان شناسی

تاریخ دریافت: ۱۴۰۰/۵/۱۳ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۰/۱۱/۱۰

چکیده

تأمل و دقت در زوایای سخن خواجه شیراز همواره به کشف ظرافت‌هایی در واژگان و معانی اشعار وی می‌انجامد. آنچه در این پژوهش مورد بررسی و موشکافی واقع شده است، بیت:

این همه شعبده خویش که می کرد اینجا / سامری پیش عصا و ید بیضا می کرد

است. هدف اصلی این جستار طرح پیشنهادی ترجیحی درباره نحوه خواندن این بیت، مبتنی بر استدلال و ارایه دیدگاه‌ها و تشریح جزئیات مرتبط با آن است. این پژوهش در راستای برطرف کردن پیچیدگی و دشواری تأویل‌های تاکنون ارائه شده درباره بیت، و بر اساس فرضیه انشایی بودن مصرع دوم، و با روش تحلیلی - توصیفی انجام گرفته است. یافته اصلی پژوهش، حکایت از تأیید فرضیه انشایی بودن

بیت و به ویژه با تکیه بر مصرع دوم دارد و همچنین بر این اساس مستدل گشت که مسندالیه مصرع نخست نیز «سامری» است.

واژگان کلیدی: علم معانی، استفهام انکاری، بازخوانی، شعر حافظ، حافظ پژوهی.

۱- مقدمه

سخن در بارهٔ بیتی از شهسوار میدان شعر و شاعری و «گشایندهٔ نقاب از رخ اندیشه» یعنی خواجه حافظ شیرازی است؛ بیتی بحث برانگیز و البته در غزلی مشهور و سراپا نکته‌بینی و ذوق. بی‌گمان تأمل و جستجو در زیر و بم‌ها و زوایای گوناگون واژه‌ها و ترکیبات و عبارات حافظ هر روز بیش از دیروز نیاز است. این همه با میناگری خاصی که حافظ در به کارگیری واژه و دقت در دلالت‌های آن ایجاد کرده است، اهمیت دوچندانی پیدا می‌کند. حافظ هرگز از لحن و آهنگ سخن و ایقاع شیوه‌های بیانی جملات غافل، و نسبت به تأثیر و تلقی‌های آن بی توجه نبوده است. حافظ - به تعبیر رجایی (۱۳۶۷: ۲۱۱) - «جادوکار» از تمام پتانسیل کلام بهره برده است و از زیر و بم هر واژه و آهنگ و تأثیربخشی هر سبک بیانی، آگاه بوده است. سخنان و سروده‌های اندیشمندان و شاعران بزرگی چونان حافظ ظرفیت آن را دارد که برداشت‌ها و دریافت‌های گوناگونی در پی داشته باشد که هر یک به گونه‌ای منطقی و پذیرفتنی بنماید. بر این پایه، بیت:

این همه شعبدهٔ خویش که می کرد اینجا / سامری پیش عصا و ید بیضا می کرد

از چند جهت موضوع پژوهش و البته قابل تأمل است. این بیت در غزل مشهور شمارهٔ ۱۴۲ (شمارهٔ غزل در چاپهای دیوان، متفاوت است) با مطلع:

سالها دل طلب جام جم از ما می کرد / و آنچه خود داشت ز بیگانه تمنا می کرد

(حافظ، ۱۳۷۸: ۱۰۹) واقع است. همین مسأله پرداختن به بررسی و بازخوانی آن و توقع احتمالات دیگر در نحوهٔ خواندن بیت را دوچندان می‌کند.

خوانش بیت:

این همه شعبده خویش که می کرد اینجا سامری پیش عصا و ید بیضا می کرد به صورت گزاره خبری، نه تنها به گونه‌ای با حکایت مورد اشاره مصرع دوم (ماجرای موسای سامری و موسای پیامبر) ناهمخوان است، بلکه ابهاماتی نیز در باره فاعل مصرع نخست ایجاد کرده است. در این میان آنچه به ذهن متبادر می شود این است که آیا نمی توان این بیت را به شکل دیگری خواند؟ در حقیقت باید گفت آیا این بیت نمی تواند یک جمله انشایی و تعیناً یک جمله پرسشی از نوع استفهام انکاری باشد؟

این جستار پس از بیان دیدگاه‌های موجود در ارتباط با بیت یادشده و ضمن پرداختن به احتمالات موجود در خصوص آن، در پی پاسخگویی به این پرسش و طرح مسایل مربوط به آن است.

پژوهش و تحقیق، بازخوانی و تأمل و انتظار احتمالات دیگر از ابیات و معانی حافظ، شاخه‌ای بسیار پر دامنه و گسترده از پژوهش ادبی است که هرگز پایانی ندارد و کهنگی نمی شناسد. غزل: سالها دل طلب جام جم از ما می کرد و آنچه خود داشت زیگانه تمنا می کرد

(حافظ، ۱۳۷۸: ۱۰-۱۰۹)

در شمار معروف‌ترین و مشهورترین غزل‌های خواجه شیراز است. این بیت که موضوع این پژوهش است، به جهت واقع بودن در این غزل از یک سو، و به خاطر کشف گوشه‌ای دیگر از ابعاد فکری و ذهنی و شناخت دامنه سخن حافظ از دیگر سو، بسیار حایز اهمیت است و باعث و انگیزه‌ای است برای بحث و کنکاش بیش از پیش در باره شعر و اندیشه حافظ.

بر پایه مقدماتی که تبیین شد و سؤالاتی که در رابطه با این پژوهش مطرح گشت، فرض این جستار بر آن است که این بیت به صورت استفهام انکاری خوانده می شود، به شکل زیر:

این همه شعبده خویش که می کرد اینجا سامری، پیش عصا و ید بیضا می کرد؟

و آهنگ کلام هنگام خواندن بیت، سیر صعودی می یابد.

۱-۲ پیشینه پژوهش

بی گمان ادعای بکر بودن موضوعی در رابطه با خواجه حافظ، بس دشوار می نماید؛ چراکه در دوره پس از حافظ در هر قرن، سیر پژوهش ها و نوشته ها در باره خود و اشعارش روزافزون و می توان گفت به صورت تصاعدی بوده است. با این حال در رابطه با این بیت و به خصوص نحوه خواندن آن به نظر می رسد، باب بحث و دقت نظر همچنان باز است و جا برای پژوهش و بررسی هست. همین امر انگیزه اصلی دست یازیدن به این پژوهش بوده است. ضمن اینکه تاکنون پژوهش های زیادی با موضوع تکبیت یا حتی چند واژه در دیوان حافظ صورت پذیرفته است، از جمله این گونه پژوهش ها مقاله ای از پرویز ناتل خانلری (۱۳۶۷) است با عنوان «سه کلمه در شعر حافظ» که در آن سه واژه محور پژوهش قرار گرفته اند؛ یا مانند «توضیحی در باره معنی بیتی از حافظ» از باقری (۱۳۷۲)؛ و نیز «تأملی در بیتی از حافظ» و «درنگی دیگر و نگاهی به معنی بیتی دشوار از حافظ» هر دو از صباغیان (به ترتیب: ۱۳۶۷ و ۱۳۷۱) که وجهه همت و تمرکز همه بر یک بیت بوده است. اما مسأله ای که این جستار در پی آن است، در میان پژوهش های انجام شده، یافت نشد. در حقیقت تاکنون احتمال خوانش دیگری از این بیت ارایه نشده است. تنها در دو اثر به طور ضمنی نشانی از تغییر لحن خواندن این بیت دیده می شود؛ بدین صورت که در پایان این بیت نشانه تعجب (!) گذاشته شده است. یک بار در کتاب «حافظ گزارشی از نیمه راه» اثر مسعود فرزاد (بی تا: ۷۱ پیوستها)؛ و دیگر بار در «حافظ شیراز» احمد شاملو (۱۳۷۵: ۱۸۴)؛ که البته هیچ یک با قطعیت به این فرض نپرداخته اند.

۲- بحث

۲-۱- جایگاه بیت مزبور

در باره این بیت و اصیل یا دخیل بودن آن اختلاف نظر هست. در برخی نسخه های دیوان حافظ این بیت اصلاً وجود ندارد. از جمله در نسخه خانلری (۱۳۶۷: ۷۵) نیامده است. برزگر خالقی (۱۳۸۲: ۳۶۴) با این که بیت را ذکر کرده است، ضمن اشاره به نبودن آن در برخی از نسخه ها و از جمله حافظ خانلری معتقد است که این بیت الحاقی است. در شرح غزلیات حافظ از بهروز

ثروتیان (۱۳۸۰: ۱۳۵) نیز این بیت نیست. در حقیقت در این شرح از دیوان حافظ این غزل تنها هشت بیت دارد و مؤلف افزوده است که ابیات مازاد بر این تعداد «مسلماً الحاقی است» (همانجا). همچنین در دیوان حافظ تصحیح و تحقیق محمدرضا جلالی نائینی و نورانی وصال (۱۳۷۲: ۲۸۸) بیت مذکور نیامده است. کما اینکه در چندین شرح دیگر از دیوان خواجه که ذکر آن ضروری به نظر نمی‌رسد، این بیت نیامده است.

۲-۲- معانی بیت

معنی این بیت در شرح سودی (۱۳۷۲: ۸۷۱/۲) - البته با عطف نظر به تغییرات قابل توجه در الفاظ و ساختمان بیت در این شرح که در ادامه مورد بررسی قرار می‌گیرد - چنین است: «آن همه حيله‌سازی و حقه‌بازی که عقل تاکنون در این عالم در برابر عشق کرده، عیناً همان کاری است که سامری در مقابل عصا و ید بیضای موسی کرد. یعنی همان طور که این دو معجز موسی سحرسازی سامری را ابطال کرد، عشق هم تمام حقه‌بازی و حيله‌سازی عقل را ابطال می‌کند. یعنی عشق غالب عقل است».

معنی این بیت را برزگرخالقی چنین تشریح کرده است: «این همه تردستی و شعبده که اینجا می‌کرد، مانند نیرنگی بود که سامری در مقابل عصا و ید بیضای موسی (ع) انجام می‌داد» (برزگرخالقی، ۱۳۸۲: ۳۶۴).

در «نسخه نویافته بسیار کهن» از دیوان حافظ معنی بیت چنین آمده است: «شعبده‌بازی‌هایی که عقل در آنجا، در برابر حقیقت عشق می‌کرد، در واقع همچون جادوگری جادوگرانی که به مقابله با معجزه‌های الهی موسی آمده بودند، بی حاصل و بی نتیجه بود» (سجادی و بهرامیان، ۱۳۷۹: ۳۱۹).

در شرح غزل‌های حافظ از هروی، بیت مورد نظر چنین معنی شده است: «این همه شعبده‌بازی‌ها که بیدل این جا می‌کرد، مثل کارهای سامری در برابر عصا و ید بیضای موسی بود. حاصل معنی اینکه: تمام فریبکاری‌های آن بیدل شیدا، از طریق عقل و خرد، برای پی بردن به راز خلقت،

مانند فریبکاری‌های سامری در مقابل معجزات حضرت موسی، بی اثر و بی اعتبار بود» (هروی، ۱۳۶۷: ۶۰۸).

خطیب رهبر (۱۳۸۸: ۱۹۴) پس از اشاره به نشستن «عقل» به جای «خویش» در برخی نسخه‌ها، آن را درست دانسته، با این حال معنی بیت را چنین آورده است: «این همه سحر و جادو که خرد مصلحت جو در برابر عشق چاره‌سوز که لطیفه الهی و مؤید به نیروی حق است، می نمود، با فسونگری سامری در مقابل ید بیضا (دست رخشان) معجز موسی شباهت دارد».

در جای دیگری در معنای بخش مرتبط با این موضوع چنین آمده است: «بدین جهت شعبده‌های عقل نتوانست در برابر آنچه از استاد آشکارا دیده بودم، کاری بکند و نظر من به استاد و مشاهده حال وی، و یا نظر استاد به من این معما را حل نمود» (سعادت پرور، ۱۳۸۲: ۱۹۳).

در شرح دیگری معنای این بیت را چنین می‌خوانیم: «این همه شعبده و جادو که عقل در برابر عشق می‌کند، مانند جادوگری سامری در مقابل معجزات حضرت موسی (ع) است و عاقبت عشق بر عقل غالب می‌شود» (ابهری، ۱۳۸۴: ۳۰۹).

با توجه به معانی یادشده می‌توان برداشت‌ها از معنی این بیت را در دو دسته، از هم متمایز ساخت؛ در یک دسته «عقل» فاعل مصرع نخست، و در دسته دیگر، فاعل آن مستتر (بیدل در ابیات پیشین) و یا مفهومی است که از ابیات پیشین برداشت می‌شود.

۲-۳- اختلاف نظرها در باره این بیت

گذشته از موضوع اصیل یا الحاقی بودن، جوانب دیگر مورد اختلاف این بیت را به این شکل می‌توان دسته‌بندی کرد:

۲-۳-۱- جانشینی «عقل» و «خویش»

این همه شعبده عقل که می‌کرد اینجا سامری پیش عصا و ید بیضا می‌کرد
در چندین چاپ از دیوان حافظ از جمله در شرح سودی (۱۳۷۲: ۸۷۰/۲) و در چاپ‌های ادیب برومند (۱۳۸۲: ۳۰۷) و سلیم نیساری (۱۳۷۱: ۱۲۷) به این شکل آمده است. در نسخه ادیب

برومند اشاره شده است که در مواردی «شعبده عقل - ساحری» به جای «شعبده خویش - سامری» آمده است. همچنین قابل توجه است که این بیت در یکی از نسخه‌های مورد استفاده این محقق نبوده است.

۲-۳-۲- جانیشینی «آن» و «این»

آن همه شعبده عقل که می‌کرد اینجا سامری پیش عصا و ید بیضا می‌کرد چنان که در شرح سودی (۱۳۷۲: ۸۷۰/۲) و چاپ سلیم نیساری (۱۳۷۱: ۱۲۷) این گونه آمده است.

۲-۳-۳- جانیشینی «اینجا» و «آنجا»

آن همه شعبده عقل که می‌کرد آنجا سامری پیش عصا و ید بیضا می‌کرد در شرح سودی (۱۳۷۲: ۸۷۰/۲)، چاپ یثربی (۱۳۸۱: ۵۳)، و اثر شبیانی (۱۳۷۳: ۵۴) به این شکل آمده است.

۲-۳-۴- گسست میان «شعبده» و «عقل»

در شرح سودی «شعبده» به «عقل» اضافه نشده است و بنا بر این دیدگاه، تأویل آن چنین بیان شده است که «شعبده» را به شکل «شعبده‌ای» باید خواند؛ بر این اساس همزه آن همزه توستل، یا حرف وحدت و یا حرف تنکیر است (سودی، ۱۳۷۲: ۸۷۰/۲). این گسست به شکل دیگری نیز ضبط شده است و آن جمع آمدن «شعبده» است به صورت «شعبده‌ها». در نسخه یثربی (۱۳۸۱: ۵۳) و اثر شبیانی (۱۳۷۳: ۵۴) بیت مورد بحث چنین ثبت شده است:

آن همه شعبده‌ها عقل که می‌کرد آن جا سامری پیش عصا و ید بیضا می‌کرد در «نسخه نویافته بسیار کهن» (سجادی و بهرامیان، ۱۳۷۹: ۳۱۸) نیز به همین روایت ثبت شده است.

۲-۳-۵- جانیشینی «سامری» و «ساحری»

شایان ذکر است که در تعدادی از نسخه‌های دیوان حافظ در این بیت به جای «سامری»، «ساحری» آمده است. چنان که در «نسخه نویافته بسیار کهن» (سجادی و بهرامیان، ۱۳۷۹: ۳۱۸)

چنین آمده است. به علاوه در این نسخه، بیت مورد نظر بر پایه جانشینی «خویش» و «عقل» و با گسست رابطه «شعبده» و «عقل» ثبت شده است:

آن همه شعبده‌ها عقل که می کرد آن جا ساحری پیش عصا و ید بیضا می کرد
بنابراین ملاحظه می شود که در واژگان مصرع دوم تنها تفاوتی که دیده می شود، نشستن «ساحری» به جای «سامری» در برخی نسخه‌ها، از جمله نسخه یاد شده و نیز در چاپ سلیم نیساری (۱۳۷۱: ۱۲۷) است. همچنین در «حافظ شیراز» چاپ احمد شاملو (۱۳۷۵: ۱۸۴) به همین شکل آمده است.

این جانشینی هم نسبت به حکایت مورد نظر بیت پربراه نمی نماید. به هر تقدیر آنچه معروف و معتبرتر است، چنان که در حافظ هروی (۱۳۶۷: ۶۰۷) و خطیب رهبر (۱۳۸۸: ۱۹۳) نیز آمده است، به همان ترتیب:

این همه شعبده خویش که می کرد اینجا سامری پیش عصا و ید بیضا می کرد
می باشد.

۲-۴- پیچیدگی این بیت

موضوع دیگری که در رابطه با این بیت مطرح است، گونه‌ای پیچیدگی است که در ساخت نحوی جمله رخ می نماید. بدین شرح که بیت نخست در روایت‌ها و نسخه‌هایی که «خویش» در آن است، فاعل مشخصی ندارد و همین مسأله در نظر برخی پژوهشگران (بنگرید: برزگر خالقی، ۱۳۸۲: ۳۶۴) ضعفی در این بیت وارد کرده است و همین ضعف، یکی از دلایل الحاقی بودن بیت دانسته شده است. بر اساس این دیدگاه آمدن «عقل» در برخی نسخه‌ها به جای «خویش» در راستای جبران این ضعف تفسیر شده است و به طور کلی پیوند استواری میان این بیت و دیگر ابیات این غزل دیده نمی شود.

اما سودی و کسانی که معتقد به گسست «شعبده» و «عقل» هستند، «عقل» را فاعل مصرع نخست گرفته‌اند (سودی، ۱۳۷۲: ۸۷۰/۲).

۲-۵- خوانش دیگر از بیت

پس از بررسی اختلاف نسخه‌ها و تفاوت دیدگاه‌ها و موضوع‌های مطرح شده در باره بیت مورد بحث، اینک باید به طرح خوانش دیگری از این بیت پردازیم که بر پایه پس‌زمینه حکایت اشاره شده در مصرع دوم بنیان گرفته است.

۲-۵-۱- سامری

موسی سامری چنان که در روایت‌های متعدد آمده است، یتیمی از بنی اسرائیل بوده که جبرئیل با مأموریت خاص از سوی خداوند او را پرورش داده است. بنابراین با توجه به اینکه او جبرئیل را می‌شناخته است، هنگام عبور اسب جبرئیل از بستر رود در پیشاپیش بنی اسرائیل، مشتی از خاک جای پای اسب را برداشت. سپس آن گاه که موسی به میقات رفت و برادرش هارون را به جای خویش گماشت، زر و زیورآلاتی را که مردم با خود داشتند و از بومیان مصر گرفته بودند، در چاله‌ای افکندند و در یک آن موسی سامری آن خاک را بر آن پاشید و اراده کرد که به گوساله‌ای بدل گردد. سپس با شنیدن صدایی که باد در آن تولید می‌کرد، ادعا کرد که این خدای شماس و موسی پیامبر فراموش کرده است. بدین سان مردم را به پرستش آن فراخواند.

هنگامی که موسی با فرمان‌های خدایی آیات تورات، که بر الواح نگاشته شده بود از کوه طور بازگشت، گوساله‌پرستی را در میان قومش شایع دید. بسیار خشمگین شد و با خشونت با هارون رفتار کرد. سپس پرسید چه کسی این گوساله را ساخت؟ گفتند سامری. موسی او را احضار کرد و از او پرسید: چه کسی به تو اجازه داد که مردم را دچار فتنه و آشوب و آنها را گمراه کنی؟ سامری گفت: به چیزی که دیگران به آن پی نبردند پی بردم و به قدر مشتی از رد پای فرستاده (جبرئیل) برداشتم و آن را در پیکر گوساله انداختم و نفس من بر من چنین فریب کاری کرد (قرآن کریم، سوره طه: ۹۷-۸۵).

۲-۵-۲- تحلیل موضوع

آنچه در این رویداد جای تأمل و درنگ است، این است که سامری در **نبود موسی پیامبر** این کارها را کرد. در آن زمان که موسی پیامبر در میان مردم بود و هنوز به میقات فراخوانده نشده بود، چنین «هنرنمایی»هایی از خویش نشان نداده بود. بنابراین پس از رفتن موسی به میقات و وقتی عرصه را خالی دید و البته خود زمینه و امکانات لازم برای آن دسیسه‌بازی را داشت، اقدام به «آن کار دیگر» کرد.

حال، حافظ با تمثیلی که میان «خرد» یعنی موسای سامری، و «عشق» یعنی موسای پیامبر، اجرا کرده است، ناتوانی و عجز مطلق اولی را در برابر دومی به خوبی به تصویر کشیده است. بدین شرح که تا زمانی که عشق (موسای پیامبر) در میانه است، خرد (موسای سامری) کاری از پیش نمی‌برد. اما هرگاه عشق از میانه برخاست، بازار خرد گرم است و آن زمان است که «شعبده»های آن، کارگر می‌افتند. ضمن اینکه خواجه با آوردن «اینجا» به محل حضور بنی اسرائیل و در بعد تمثیلی، به مجامع انسانی که خود نیز در آن است، اشاره کرده است. براین پایه، در آغاز بیت نیز، اسم اشاره مناسب با جمله، همان «این» است. بنابراین حافظ در حقیقت قصد بیان و تبیین **ناتوانی** سامری در انجام شعبده‌بازی‌ها و حيله‌سازی‌ها در حضور موسی و در زمانی را داشته است که موسی پیامبر در میان مردم بوده و حضور داشته است. بدین سان با آوردن یک استفهام انکاری معنی مورد نظرش را با ظرافت خاصی بیان کرده و عجز موسی سامری را به خوبی برملا کرده و پرسیده است «آیا سامری در برابر عصا و ید بیضا (یعنی هنگامی که موسی پیامبر در میان مردم بود) نیز، این کارها را می‌کرد؟»

نکته حایز اهمیت دیگر در اینجا بحث و موجودیت و ماهیت «خویش» است؛ بنابر این تحلیل، «خویش» در این بیت همان «سامری» است، لذا بسیار مناسب است که یک کاما (،) پس از سامری گذاشته شود تا درنگ برآمده از آن این تأثیر و برداشت را بیشتر تثبیت کند. پس سامری در حقیقت فاعل هردو مصرع این بیت است و شعبده هم به او نسبت داده شده است و این کاملاً با حقیقت سامری بنا بر آنچه در روایت‌های مرتبط با او آمده است، مطابقت دارد.

این درنگ و بازنگری و بازخوانی در این بیت، ما را به گوشه دیگری از سحر سخن جادوانه و جاودانه حافظ می‌رساند، و زیبایی نغز و موشکافی در بیان او را بیش از پیش به نمایش می‌گذارد.

۲-۵-۳ - حاصل معنی بیت

بنابر آنچه نوشته آمد، معنی بیت:

این همه شعبده خویش که می‌کرد اینجا سامری، پیش عصا و ید بیضا می‌کرد؟
چنین خواهد بود: «این همه دسیسه‌بازی و فریبکاری که موسای سامری در اینجا؛ یعنی در نبود موسای پیامبر به نمایش می‌گذارد، آیا در برابر عصا و ید بیضای موسی؛ یعنی هنگام حضور او هم می‌کرد؟» به دیگر سخن هنگامی که موسای پیامبر با دو معجزه‌اش یعنی عصا و ید بیضا، در میان مردم بود، موسای سامری به هیچ وجه جرأت چنین هنرنمایی‌هایی را نداشت و در واقع حرفی برای گفتن نداشت. آن کار دیگر او تنها منحصر به زمانی بود که موسای پیامبر در میقات بود.

۳- جمع بندی و نتیجه گیری

در این پژوهش در غزل شماره ۱۴۲ به مطلع:

سالها دل طلب جام جم از ما می‌کرد
و آنچه خود داشت ز بیگانه تمنا می‌کرد

بیت:

این همه شعبده خویش که می‌کرد اینجا سامری، پیش عصا و ید بیضا می‌کرد؟
بررسی شد و مورد مذاقه و بازنگری قرار گرفت. پس از تحلیل جوانب گوناگون آن، و بر اساس استنباط و تلقی مطرح شده در این پژوهش نتایج زیر به دست آمد:
- این بیت به همین شکل که در نتیجه این پژوهش آمده است، درست می‌نماید.
- خواندن این بیت به صورت استفهام انکاری است، و هنگام خواندن آن لحن کلام متناسب با این شیوه بیانی تغییر می‌کند و سیر صعودی به خود می‌گیرد.
- در این خوانش «این» - «خویش» - «اینجا» - «سامری» درست دانسته شده است، نه «آن» - «عقل» - «آنجا» - «ساحری». بنابراین گسست پیوند میان «شعبده» و «عقل» به طریق اولی مردود است.

- بر پایه این تحلیل «خویش» همان سامری، و سامری مسندالیه (فاعل) هر دو مصرع است و برای درست خواندن، بهتر آن است که پس از آن یک کاما (،) گذاشته شود.

منابع

- ابهری، عبدالله (۱۳۸۴)، *دیوان حافظ با شرح کامل (منزل به منزل با حافظ)*. چاپ اول، تهران: نشر طلایه.
- برزگر خالقی، محمدرضا (۱۳۸۲)، *شاخ نبات حافظ شرح غزلها همراه با مقدمه، تلفظ واژگان دشوار و ...* چاپ اول، تهران: انتشارات زوآر.
- برومند، ادیب (۱۳۸۲)، *غزلیات حافظ* چاپ دوم، تهران: کارگاه نشر عرفان.
- ثروتیان بهروز (۱۳۸۶)، *سروده‌های بی‌گمان حافظ*. چاپ اول، تهران: امیرکبیر.
- _____ (۱۳۸۰)، *شرح غزلیات حافظ دفتر دوم*. تهران: پویندگان دانش.
- حافظ شیرازی، خواجه شمس الدین محمد (۱۳۶۷)، *غزلهای حافظ شیرازی*. تصحیح و مقابله پرویز ناتل خانلری، چاپ سوم، تهران: انتشارات معین.
- _____ (۱۳۷۲)، *دیوان حافظ*. با تصحیح، تحقیق و مقدمه محمدرضا جلالی نائینی و نورانی وصال. چاپ اول، تهران: انتشارات سخن و نشر نقره.
- _____ (۱۳۷۸)، *دیوان حافظ شیرازی*. تصحیح و تحقیق قاسم غنی و علامه قزوینی، چاپ اول، تهران: نشر احتشام.
- _____، پرویز (۱۳۶۷)، *غزلهای حافظ شیرازی*. تصحیح و مقابله پرویز ناتل خانلری، چاپ سوم، تهران: انتشارات معین.
- رستگار فسایی، منصور (۱۳۶۷)، *شعر و زندگی حافظ (مجموعه مقالات)*، به اهتمام منصور رستگار فسایی، چاپ چهارم، تهران: نشر جامی.
- خطیب رهبر، خلیل (۱۳۸۸)، *دیوان حافظ شیرازی*. چاپ چهل و ششم، تهران: انتشارات صفی‌علیشاه.
- سجادی، سید صادق؛ بهرامیان، علی (۱۳۷۹)، *دیوان حافظ بر اساس نسخه نویافته بسیار کهن*. چاپ اول، تهران: شرکت انتشارات فکر روز.
- سعادت پور، علی (۱۳۸۲)، *جمال آفتاب و آفتاب هر نظر شرحی بر دیوان حافظ*. چاپ سوم، تهران: شرکت انتشارات احیاء کتاب.

- سودی بسنوی، محمد (۱۳۷۲)، شرح سودی بر حافظ. ترجمه عصمت ستارزاده، چاپ هفتم، تهران: انتشارات زرین و انتشارات نگاه.
- شاملو، احمد (۱۳۷۵)، حافظ شیراز. چاپ هفتم، تهران: انتشارات مروارید و انتشارات زمانه.
- شیبانی، حسنعلی (۱۳۷۲)، آب حیات (نگرشی در اندیشه‌های خواجه حافظ شیرازی). چاپ اول، تهران: انتشارات فردوس، انتشارات مجید.
- علوی، پرتو (۱۳۶۹)، بانگ جرس راهنمای مشکلات دیوان حافظ. چاپ چهارم، تهران: انتشارات خوارزمی.
- فرزاد، مسعود (بی تا)، حافظ گزارشی از نیمه راه. شیراز: انتشارات دانشگاه پهلوی.
- نیساری، سلیم (۱۳۷۱)، غزلهای حافظ. چاپ دوم، تهران: انتشارات بین المللی الهدی.
- هروی، حسنعلی (۱۳۶۷)، شرح غزلیات حافظ. مجلد اول، چاپ دوم، تهران: نشر نو.
- یثربی، سید یحیی (۱۳۸۱)، آب طربناک (تحلیل موضوعی دیوان حافظ). چاپ اول، تهران: مرکز مطالعات و انتشارات آفتاب توسعه.

Bibliography

- Abhari, Abdullah (۲۰۰۵), Hafez's divan with full description (house to house with Hafez). First Edition, Tehran: Talaieh Publishing.
- Barzgar Khaleghi, Mohammad Reza (۲۰۰۳), Hafiz Nabat's description of lyric poems with introduction, difficult pronunciation of words and First Edition, Tehran: Zovar Publications.
- Boroumand, Adib (۲۰۰۳), Hafez lyric poems second edition, Tehran: Erfan Publishing Workshop.
- Tharoutian Behrooz (۲۰۰۷), Poems of Hafez. First Edition, Tehran: Amirkabir.
- description of Hafez's lyric poems, second book. Tehran: Pooyandegan Danesh. (۲۰۰۱).
- Hafez Shirazi, Khajeh Shamsuddin Mohammad (۱۳۶۷), lyric poems of Hafez Shirazi. Edited and confronted by Parviz Natel Khanlari, third edition, Tehran: Moin Publications.
- _____(۱۳۷۲). Diwan of Hafez. With correction, research and introduction by Mohammad Reza Jalali Naeini and Noorani Vesal. First Edition, Tehran: Sokhan Publications and Silver Publishing.
- _____(۱۳۷۸) Divan of Hafez Shirazi. Correction and research by Qassem Ghani and Allameh Qazvini, first edition, Tehran: Ehtesham Publishing.

,_____Parviz (۱۳۶۷), Ghazals of Hafez Shirazi. Edited and confronted by Parviz Natel Khanlari, third edition, Tehran: Moin Publications.

Rastegar Fasaei, Mansour (۱۹۸۸), Hafez Poetry and Life (collection of articles), by Mansour Rastegar Fasaei, fourth edition, Tehran: Jami Publishing.

Khatib Rahbar, Khalil (۲۰۰۹), Divan of Hafez Shirazi. Forty-sixth edition, Tehran: Safi Ali Shah Publications.

Sajjadi, Seyed Sadegh; Bahramian, Ali (۱۳۷۹), Hafez's divan based on a very old version. First Edition, Tehran: Fekr Rooz Publishing Company.

Saadatpour, Ali (۲۰۰۳), Jamal Aftab and Aftab Every commentary on Hafez's divan. Third Edition, Tehran: Book Revival Publishing Company.

Soodi Basnavi, Mohammad (۱۳۷۲), Description of Soodi on Hafez. Translated by Esmat Sattarzadeh, seventh edition, Tehran: Zarrin Publications and Negah Publications.

Shamloo, Ahmad (۱۳۷۵), Hafez Shiraz. Seventh Edition, Tehran: Morvarid Publications and Zamaneh Publications.

Sheibani, Hassan Ali (۱۳۷۲), Ab Hayat (An Attitude in the Thoughts of Khajeh Hafez Shirazi). First Edition, Tehran: Ferdows Publications, Majid Publications.

Alavi, Parto (۱۳۶۹), Bang Jaras, a guide to the problems of Hafez's court. Fourth Edition, Tehran: Kharazmi Publications.

Farzad, Massoud (Bita), Hafiz, a report from the middle of the road. Shiraz: Pahlavi University Press.

Nesari, Salim (۱۳۷۱), Ghazals of Hafez. Second Edition, Tehran: Al-Huda International Publications.

Heravi, Hassan Ali (۱۳۶۷), description of Hafez's lyric poems. Volume One, Second Edition, Tehran: New Publication.

Yathribi, Seyed Yahya (۲۰۰۲), Ab Tarbnak (Thematic analysis of Hafez's divan). First Edition, Tehran: Aftab Tose'e Center for Studies and Publications.